



**نویسنده:** روب یوری «Rob Urie»

**منبع و تاریخ نشر:** کونترپانچ «2024-06-27»

**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل» .

**لابی اسرائیل" برای مجتمع صنعتی نظامی ایالات  
متحده کار می کند**

***The 'Israel lobby' works for the US  
military industrial complex***



**منبع:** د متحده ایالاتو د دفاع وزارت - عامه پومی

از زمان انتشار رو توضیحات توسط **جان میرشا یمر** و **استفان والت** در سال (2007) بر (لابی اسرائیل)، که گفته بودند که روابط عمومی برتر به عنوان توضیح اصلی برای نفوذ بیش از حد ملت اسرائیل بر سیاستمداران آمریکایی اظهر من الشمس بوده است. در آن بیانیه، ویا توضیحات، آمده است که آئیپک (AIPAC) یعنی (کمیته روابط عمومی آمریکا و اسرائیل) و دیگر حامیان اسرائیل یک ماشین روابط عمومی پیچیده و گسترده تری ساخته اند و آن اینکه سیاستمداران آمریکایی را که از اسرائیل حمایت میکنند به نفع آنها تبلیغ می کنند و کسانی را که از اسرائیل حمایت نمی کنند، مجازات میکنند.

با این تصور، حامیان ثروتمند اسرائیل هزینه ای کمپین های روابط عمومی را تامین می کنند که به موجب آن سیاستمداران آمریکایی (به طور قانونی) رشوه می گیرند و مجبور می شوند کمک های خارجی ایالات متحده را به اسرائیل بدهند. این کمک ها سپس به اسرائیل تحویل داده می شود و اکثریت پولی که برای تسلیحات تمویل ویا اختصاص داده شده است توسط تولید کنندگان تسلیحات آمریکایی هزینه می شود. تا جایی که هدف «لابی اسرائیل» به حداکثر رساندن کمک های خارجی ایالات متحده به اسرائیل است، همچنین در حال به حداکثر رساندن بودجه برای MIC آمریکا (مجتمع نظامی-صنعتی) نیز است

بر اساس داده های مربوط به لابی گری سیاسی (نمودار زیر)، لابی اسرائیل از سال 1948 حدود دو درصد (2%) از کمک های خارجی ایالات متحده به اسرائیل را صرف اقطاع سیاسی در داخل ایالات متحده کرده است. از نظر دلاری، این مبلغ 6 میلیارد دلار است که توسط اسرائیل هزینه شده است. لابی اسرائیل برای دریافت (280) میلیارد دلار کمک خارجی آمریکا به اسرائیل تلاش میکنند ویا که تلاش کردند؛ حالانکه این نسبت با آنچه که صنعت «دفاع» ایالات متحده و دیگر مدعیان و صاحبان شرکت های بزرگ از «سرمایه گذاری» خویش در بخش سیاستمداران آمریکایی به دست می آورند، فاصله زیادی ندارد، بیشتر پولی که اسرائیل از ایالات متحده دریافت می کند صرف خرید تسلیحات و مواد از تأمین کنندگان آمریکایی می شود.

## Air power

**339**  
Combat  
capable aircraft  
including **309**  
fighter ground  
attack jets



**196**  
F-16



**83**  
F-15



**30**  
F-35

**142**  
Total  
helicopters



**43**  
Apache attack  
helicopters

نمودار: از جت های جنگنده ای که اسرائیل در سال 2023 در اختیار داشت، همه توسط پیمانکاران دفاعی مستقر در ایالات متحده ساخته شده اند. این جایی است که کمک های خارجی آمریکا به اسرائیل خرج می شود. اسرائیل را برای قطعات یدکی/تعویض به تامین کنندگان آمریکایی وابسته می کند. اما مهمتر از آن برای دولت فدرال ایالات متحده این است که به MIC یک مشتری ثابت برای کالاهای خود می دهد

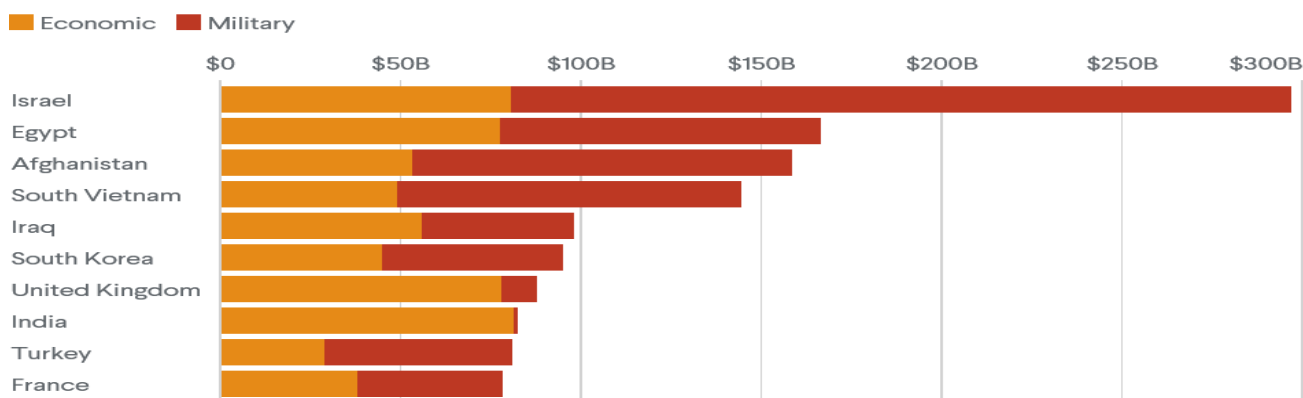
## منبع: [Aljazeera.com](https://www.aljazeera.com)

به عبارت دیگر، در حالی که این وجوه یا پول خرج شده و هرچه بیشتر تضمین شده برای شرکتهای آمریکایی که تقریباً برابر با وجوه مصرف شده به لابیگری برای اسرائیل است، بیشتر پولی که به اسرائیل داده می شود به MIC (مجتمع - نظامی - صنعتی) آمریکا «انتقال» می شود (نمودار یا جدول زیر). در مقایسه با پولی که به اوکراین داده شد، که در ابتدا شامل یک قرارداد اجاره وام با ایالات متحده بود، ولی اسرائیل هیچ تعهد و یا قراردادی برای خودکشی ملی (مانند اوکراین) در ازای تامین مالی از سوی ایالات متحده ندارد. این بدان معناست که اسرائیل در تئوری می تواند تجهیزات نظامی را از تامین کنندگان غیر آمریکایی خریداری کند که این یک تهدید برای MIC ایالات متحده است.

در واقع، آنچه در داخل ایالات متحده به عنوان «کمک خارجی» مطرح می شود، در بسیاری از موارد پرداختی است که توسط دولت فدرال ایالات متحده به دولت های خارجی برای خرید کالاها و خدمات از ارائه دهندگان آمریکایی انجام می شود. دولت فدرال به جای واگذاری این موضوع به «بازارها»، از طریق به اصطلاح کمک های خارجی به صنایع ایالات متحده یارانه می دهد. کشورهای دریافت کننده در حال بازپرداخت وام ها هستند یا مستقیماً یا از طریق اقداماتی - مانند راه اندازی جنگ ها که ایالات متحده به آنها دستور می دهد. در رابطه با اسرائیل، ایالات متحده یک توافقنامه دفاعی متقابل دارد، اما شواهدی مبنی بر محدودیت های نوع اجاره وام بر اسرائیل یافت نشد.

### Israel Is the Largest Cumulative Recipient of U.S. Aid

Total aid from 1946 to 2023, by fiscal year (constant 2022 dollars)



Notes: Data for 2023 is partially reported. Aid to Israel includes missile defense starting in 2006. South Vietnam existed as a country until the end of the Vietnam War in 1975.

Sources: United States Agency for International Development (USAID); Congressional Research Service.

**نمودار یا هستوگرام: اسرائیل از زمان آغاز به کار خود در سال 1948 بزرگترین دریافت کننده کمک های خارجی ایالات متحده به صورت جمعی بوده است.** وبا در نظر داشت مقیاس و میزان این بسته کمکی، این خود به طور منطقی می تواند دلالت کند که اسرائیل به ایالات متحده وابسته است، و بنابراین تحت کنترل آن است، این ادعا از سال 2007 به بعد (سالی که لابی اسرائیل منتشر شد) یا در همانجا و در همان وقت این بوده است که اسرائیل از طریق کمک های انتخاباتی و لابی های مناسب، ایالات متحده را کنترل می کند. با این حال، مجموع هزینه های کمپین و لابی گری آبیگ (مجتمع نظامی صنعتی) تنها بخش کوچکی از هزینه های کلان ایالات متحده به اسرائیل است. بنا بر این، چرا ایالات متحده اسرائیل را کنترل نمی کند؟ منبع: [cfr.org](http://cfr.org)

کسی جز رئیس جمهور ایالات متحده، **جو بایدن**، بزرگترین دریافت کننده رشوه (قانونی) از طرفداران یا حامیان اسرائیل در میان سیاستمداران آمریکایی با اختلاف زیاد (نمودار زیر) بوده است. این که آقای بایدن خود را «صهیونیست مسیحی» توصیف می کند که قبلاً شکایت کرده بود که اسرائیل به اندازه کافی زنان و کودکان فلسطینی را نمی کشد، اگر حرفه سیاسی او توسط اسرائیل به میزان «6000000» دلار حمایت نمی شد، ممکن است متفاوت تفسیر شود. برای گره زدن این موضوع، آقای **بایدن** بیشترین پول را از اسرائیل دریافت کرد و او قابل اعتمادترین هممنسل کش اسرائیل است.

برای آن هایی که ممکن است بی خبر باشند، که اگر ما به «کوچولوها» یا به مقیاس پایین یک دلار به رأی دهندگان برای رأی دادن یا رأی ندادن به یک نامزد پیشنهاد می کردیم، انجام این کار از طرف فدرال جرم پنداشته میشود. اما دولت های خارجی متخاصم (مثلاً اسرائیل) اجازه دارند به یک سیاستمدار آمریکایی (بایدن) 6000000 دلار بپردازند تا دستورات خود را انجام دهند تا زمانی که دستور العمل های آنها به جای تصویب قوانین خاص در سطح «انجام خواسته هایشان» باقی بماند. در شرایطی که ایالات متحده و اروپای توسعه یافته در حال جمع آوری نام ها برای از سرگیری پیش نویس های نظامی خود هستند، سیاستمداران آمریکایی از سوی دولت های خارجی پول می گیرند تا کودکان آمریکایی را در معرض آسیب قرار دهند.

در اینجا دو جزء در بازی وجود دارد. **اول** این است که به سیاستمداران پول در ازای رأی دادن متفاوت از پرداخت رأی دهندگان عادی برای رأی است، زیرا سیاستمداران به مردم خدمت می کنند. در واقع، تعداد کمی از شهروندان معتقدند که سیاستمداران آمریکایی به مردم خدمت می کنند. اکثریت (لینک بالا) معتقدند که فساد درکنگره دموکراسی را در ایالات متحده تضعیف کرده است. این نشان می دهد که اکثر آمریکایی ها تفاوت مادی بین فساد شخصی و حرفه ای رانمی بینند. اگر این کار را می کردند، سیستم آمریکایی کمپین های مالی تا این حد فاسد تلقی نمی شد. راه دیگری برای بیان این موضوع این است که اسرائیل مطمئناً با **جو بایدن** و به طور کلی با سیاستمداران آمریکایی مانند کمک های اجبر شده رفتار می کند

# 'Contributions' From Israel Supporters to US Politicians

<u>Senator</u>	<u>State</u>	<u>Aggregate Contribution</u>
<b>Biden, Joe (D)</b>		<b>\$5,688,069</b>
Menendez, Robert (D-NJ)	New Jersey	\$2,510,005
Clinton, Hillary (D-NY)	New York	\$2,362,312
Kirk, Mark (R-IL)	Illinois	\$2,294,469
Lieberman, Joe (D-CT)	Connecticut	\$1,999,274
McConnell, Mitch (R-KY)	Kentucky	\$1,953,910
Schumer, Charles E (D-NY)	New York	\$1,725,324
McCain, John (R-AZ)	Arizona	\$1,493,816
Cruz, Ted (R-TX)	Texas	\$1,311,340
Wyden, Ron (D-OR)	Oregon	\$1,280,376

نمودار: با 5.7 میلیون دلار، **جو بایدن**، رئیس جمهور ایالات متحده، بزرگترین دریافت کننده کمک های مالی کمپین از «لابی اسرائیل» از زمان تأسیس اسرائیل در سال 1948 بوده است. آقای **بایدن** بیش از دو برابر بیشتر از بزرگترین دریافت کننده بعدی کمک های مالی دریافت کرده است. حساب سرراست است. آقای **بایدن** بزرگترین دریافت کننده بزرگ نمایی اسرائیل است و مشتاق ترین و سرسخت ترین حامی اسرائیل و علیه فلسطینی ها در ایالات متحده است. منبع: [opensecrets.org](https://www.opensecrets.org)

**سوال:** آیا این حمایت فدرال از MIC (مجتمع صنعتی نظامی) می تواند تا حدودی جنگ ایالات متحده علیه روسیه در اوکراین را نیز توضیح ندهد؟ غالباً "کمک" ایالات متحده به اوکراین در واقع صرف خرید سلاح و مواد از تولیدکنندگان آمریکایی شده است. همزمان با انتقال تسلیحات ایالات متحده به اوکراین، و پس از راه اندازی SMO (عملیات نظامی ویژه) روسیه در سال 2022، اوکراین اکنون در حال بازپرداخت وام ها است و مردم اوکراین را متعهد کرده است که یا برای MIC آمریکایی بکنند و بمیرند. یا برای بازپرداخت هزینه دلاری سلاح هایی که دریافت کرده است آماده شود.

نکته قابل توجه: **(1)** در حالی که اوکراین 5 میلیون دلار برای تأثیرگذاری بر سیاستگذاران ایالات متحده در سال 2022 هزینه کرده است، غیر این صورت برای

تأمین 100 میلیارد دلار به علاوه تسلیحات آمریکایی که دریافت کرده است هزینه بسیار کمی کرده است و (2) بودجه 800 میلیارد دلاری به علاوه بودجه سالانه پنتاگون ظاهراً خرج نکرده است. ایالات متحده رابرای پیروزی در جنگ هایی که دولت **بایدن** / سیا قبلاً راه اندازی کرده اند آماده کرد. گروه قاضی ناپولیتانو از نظامیان بازنشسته و استراتژیست های سیا از زمانی که مرحله دوم تهاجم ناتو/آمریکا به اوکراین (SMO روسیه) در فوریه 2022 آغاز شد، در این مورد بحث کرده اند.

همانطور که خوانندگانی که با «نظریه سرمایه‌گذاری» **توماس فرگوسن** در مورد تأمین مالی سیاسی (و اینجا) آشنا هستند، می‌دانند، این بازده فوق‌العاده سرمایه (1/2٪) = X50 با بازده روزانه لابی‌گری شرکتی فاصله زیادی ندارد. به قیاسی که برای یک دهه یا بیشتر در اتر بوده است، کنگره نفوذ را بسیار ارزان می‌فروشد، زیرا منافع را دریافت می‌کند در حالی که ما مردم هزینه آن را می‌پردازیم. به عنوان مثال، پیمانکار دفاعی Northrup Grumman PAC (کمپنه اقدام سیاسی) کمی بیش از «2» میلیون دلار (0.01٪) در چرخه انتخابات 2020 برای حفظ بیش از 25 میلیارد دلار در قراردادهای فدرال هزینه کرده است.

تا اینجا، تفاوت با تز میرشایمر/والث در اینجا به ماهیت دولت آمریکا مربوط می‌شود. این ادعای «رئالیستی» مبنی بر اینکه لابی‌گری اسرائیل نمونه‌ای مؤثر از لابی‌گری‌های معمولی است که ایران یا ونزوئلا همین کار را انجام می‌دهند، پاسخ آمریکا این است که این تلاش‌ها را به شدت متوقف کند. به عنوان مثال، روسیه متهم شد که 75000 دلار برای تبلیغات ترول «Troll» اینترنتی که عمدتاً پس از انتخابات (2016) اجرا می‌شد، خرج کرده است و نتیجه روسیه گیت بود. با این حال، حداقل بخشی از اتهامات آمریکا علیه روسیه تقلبی به نظر می‌رسد.

هما‌نطور که شما واقعاً در زمان واقعی بیان کردید، دلیل اینکه مزارع ترول روسی اولین موردی بودند که در تحقیقات **رابرت مولر** مورد اتهام قرار گرفتند این بود که (توسط مولر و همکاران) فرض شده بود که اتباع روس هرگز برای اعتراض به اتهامات در دادگاه آمریکایی حاضر نخواهند شد. در واقع، یکی از مزارع ترول های روسی، Concord Management، در دادگاه ایالات متحده حاضر شد. **تیم مولر** به سرعت این اتهامات را کنار گذاشت. دلیل ذکر شده: امنیت ملی. اگر درست باشد، اتهامات سیاسی (تقلبی) بودند، زیرا هرگونه پیگرد قانونی برنامه ریزی شده مستلزم آن بود که ایالات متحده مدارک خود را در کشف ارائه کند

**نکته:** صرف نظر از مهارت «لابی اسرائیل» در وادار کردن سیاستمداران آمریکایی به انجام خواسته‌هایش، اسرائیل دارای ویژگی‌هایی است که مورد علاقه MIC است که روسیه آن را ندارد. روسیه تولیدکننده سلاح و مواد است که آن را به رقیب «مجتمع صنعتی - نظامی = MIC» آمریکایی تبدیل می‌کند. در مورد **چین** هم همینطور است. در مقابل،



ایالات متحده قراردادهای متعددی با اسرائیل برای تولید محصولات برای ارتش ایالات متحده دارد. اما نکته بسیار مهم تر، و باز هم، بیشتر کمک های ایالات متحده به اسرائیل به سرعت از طریق خرید تسلیحات به MIC یا «مجتمع نظامی صنعتی» آمریکا بازگردانده می شود.

اسرائیل به عنوان یک غارتگر برای منافع نظامی آمریکا در منطقه وجود دارد. (دیانا جانستون، که من بالاترین احترام را برای او قائل هستم، در اینجا این موضوع را علیه این تر بیان می کند). موردی که جانستون به همراه ژان بریکمونت یکی از نویسندگان آن مطرح می کنند این است که حمایت ایالات متحده از اسرائیل به نفع ایالات متحده نیست. سوال: چقدر شواهد بیشتری لازم است تا نتیجه گیری شود که سیاستمداران آمریکایی برای هر کسی که به آنها پول می دهد کار می کنند؟ در واقع، تنها اقلیتی از آمریکایی ها معتقدند که نمایندگان منتخب به نفع ایالات متحده عمل می کنند. معماری لیبرال دولت مستلزم خطوط تمیزی از تقسیم بین قدرت سیاسی و اقتصادی است که سرمایه داری آن را غیر قابل قبول کرده است.

دیدگاه مارکسیستی/لنینیستی مبنی بر اینکه دولت سرمایه داری برای خدمت به منافع سرمایه داران مرتبط وجود دارد، قطعاً از نظر توصیفی دقیق تر در مورد ایالات متحده است تا نظریه لیبرال «اقتصاد مختلط» در ابتدا یک برنامه ساختگی برای جلوگیری از عود رکود بزرگ پس از پایان جنگ جهانی دوم. در آغاز دهه 1980، سهام خصوصی توسط خودی های MIC برای خرید دارایی های فدرال به ازای دلار به ارزش دلار و بازگیری آن ها با بدهی برای فروش مجدد آن به عموم به منظور غنی سازی افراد داخلی مورد استفاده قرار گرفت.

در عمل، دستمزدها کاهش یافت و فرآیندهای تولید در شرکت هایی که توسط سهام خصوصی خریداری می شدند «روشن» شدند، در نتیجه منافع عمومی MIC از بین رفت. نزدیک بینی نئولیبرالی تا آنجا پیش رفت که تولید نظامی را به کشورهای رقابت امپریالیستی با آنها مدتهاست یک نتیجه قطعی تلقی می شد، برون سپاری کرد. همان سیاستمداران و تکنوکرات هایی که در سال 1993 (یا 2001) به برون سپاری یک ایده عالی فکر می کردند، امروز چین را «مقلب» می دانند که تولیدی را که دقیق تر تحویل داده بود، «زدید».

این نکته فقط انتزاعی نیست، یک موضوع شخصیت پردازی یا (cult) شخصیت است. غرور اصلی اقتصاد غربی این است که پول، جستجوی ثروت، انگیزه تصمیم گیری انسان را برمی انگیزد. پرداخت در این چارچوب در مبادله کالا و خدمات به پول است. شرکتها و دولت های خارجی به سیاستمداران «آمریکایی» پول می دهند تا از طریق کمک های تبلیغاتی به منافع خود عمل کنند. مخالفت مبنی بر اینکه هیچ ارتباط مستقیمی بین مشارکت در مبارزات انتخاباتی و نتایج قانونگذاری در سطح سیاستمداران منفرد وجود ندارد، نشان دادن چنین پیوندی آسان (و در اینجا) در سطح سیستمی نادیده گرفته می شود.

دولت لیبرال میرشایمر / والت و جانستون / بریکمونت از نظر تاریخی در اقتصاد سیاسی سرمایه داری وجود دارد و ادعا می کند که دولت دولت است و اقتصاد اقتصاد تکراری است، که به نوبه خود مستلزم انتخاب دقیق نقاط شروع و توقف برای نتیجه گیری است. در این دیدگاه، ایالت ایالات متحده سیاست هایی را توسعه می دهد و سپس به جمع آوری منابع می پردازد تا سیاست های خود را به نتیجه برساند. از نظر **میرشایمر**، سیاست های ایالتی اساس مبارزه قدرت های بزرگ خواهد بود. چیزی گمشده این است که شرکت های درون MIC می توانند کنگره را وادار به شروع جنگ و نابودی کشورها از طریق رشوه (قانونی) کنند.

به اعضای جدید کنگره دستور داده می شود تا زمانی که به واشنگتن می رسند، چهار ساعت در روز را صرف درخواست کمک های تبلیغاتی کنند. افراد و نهادهایی که در کمپین مشارکت می کنند تمایل دارند قبل از کنگره تجارت داشته باشند. سیستمی که به موجب آن نهادهای داری تجارت قبل از کنگره، خزانه سیاستمدارانی را که مایل به انجام خواسته های خود هستند پر می کنند، هم به نیازهای نهادهای مشارکت کننده و هم به سیاستمداران مایل پاسخ می دهد. تنها افرادی که از این رویه استفاده نمی کنند، شهروندانی هستند که منافع آنها توسط سیاستمداران فاسد تابع شرکت های اغلب بدخواه است.

برای کسانی که آن را از دست دادند، ادعای ایالات متحده به عنوان برترین کشور سرمایه داری در جهان در سال های 1990 تا 2007 در محدودیت های نهادی علیه فساد که در حال از بین رفتن به نفع "بازارها" بود تحقیر «پول در سیاست» اصلاحات **نیو دیل** به دنبال جایگزینی این نهادها با ایدئولوژی نئولیبرال رخ داد. امروزه معماری تصویری دولت لیبرال برای بازتاب این تحقیر نئولیبرالی تغییر نکرده است. تئوری لیبرال با تمایز روشنی بین دولت و اقتصاد پیش می رود که هرگز وجود نداشته است.

برای روشن بودن، هیچ درخواستی برای «دریافت پول از سیاست» در اینجا وجود ندارد. مشکل توزیع قدرت در یک دولت سرمایه داری است که سیستم تامین مالی کمپین های سیاسی ایالات متحده تنها محصول جانبی آن است. کمپین های سیاسی با بودجه دولتی (همانطور که زمانی در ایالات متحده وجود داشت) هنوز باید از دولت دائمی (سیا) که آشکارا در انتخابات اخیر ایالات متحده عمل کرده است، گذر کنند: **(1)** نامزد برنده را انتخاب کند یا **(2)** به جنگ با برنده برود. این کاندیدای مورد نظر دولت دائمی نیست. دو نامزد اخیر تحت حمایت سیا، جو بایدن و هیلاری کلینتون، به اندازه سرطان کبد و تجاوز جنسی در میان رای دهندگان واقعی محبوبیت داشته اند.

این واقعیت که نه **جو بایدن** و نه اعتماد مغز او تلفنی برای صحبت با **ولادیمیر پوتین** در 2 سال و نیم جنگ با روسیه به دست نیاورده اند، نشان می دهد که آقای پوتین و روسیه ممکن است با مذاکره برای پایان دادن به خصومت ها مستقیماً با **لاکهد مارتن** و روسیه کمک بیشتری به خرج دهند. **نورثروپ گرومن**. بایدن در حال شکست، فاسد است و جنگ انتخابی را علیه روسیه به راه انداخت که آمریکا در حال شکست آن است. او در



حال حاضر یک نسل کشی به سبک جنگ جهانی دوم را در غزه رهبری می کند. به طرز چشمگیری، متحد شدن با نازی های خود توصیف شده در اوکراین در حالی که رهبری یک نسل کشی نژادپرستانه در غزه را بر عهده دارد، نشان دهنده برنامه سیاسی لیبرال های آمریکایی و راست افراطی در سال 2024 است.

هیچ یک از اینها در چارچوب انتخاباتی در نظر گرفته نشده است. **دونالد ترامپ** با دریافت 20 میلیون دلار کمک های تبلیغاتی از صهیونیست های اسرائیلی-آمریکایی، با حمایت از بیت المقدس به عنوان پایتخت اسرائیل، خود را به عنوان یک صهیونیست «باجه عوارض» نشان داده است. اکنون در صف دریافت کمک (100) میلیون دلاری دیگر از **میریام ادلسون**، همسر **شلدون ادلسون** فقید، آقای **ترامپ** اخیراً از لایحه ای برای تأمین مالی بیشتر جنگ های ایالات متحده در اوکراین و اسرائیل حمایت کرده و از تصویب آن اطمینان حاصل کرده است. تفاوت کمی بین نامزدهای اصلی احزاب در مورد نسل کشی اسرائیل وجود دارد، احتمالاً به این دلیل که MIC آمریکا یارانه های فدرال خود را از طریق اسرائیل می شویید

راه حل «لابی اسرائیل» این است که ایالات متحده کمک مالی به اسرائیل را متوقف کند. رقابت برای کمک به مبارزات انتخاباتی در میان سناتور ها و نمایندگان طرفدار نسل کشی ایالات متحده با این بودجه پایان می یابد. البته این اتفاق نخواهد افتاد اما نه به خاطر لابی اسرائیل. این اتفاق خواهد افتاد زیرا **لاکهد ما رتین** و **نورثروپ گرومن** قدرت سیاسی را در اختیار دارند تا اطمینان دهند که انجام این کار حتی در نظر گرفته نمی شود. این امر «لابی اسرائیل» را به یکی از زیر مجموعه های مجتمع نظامی-صنعتی **آیزنهاور** تبدیل می کند. در واقع، سخنرانی MIC آیزنهاور در ابتدا به دلایلی که در اینجا ذکر شد، شامل «کنگره» در مجموعه بود.



نمودار: رکود بزرگ با توجه به اینکه آمریکایی ها چگونه ملت را درک می کنند، وقفه ایجاد کرد. در سال 2016، احساسات نزدیک به رکود بزرگ باقی ماند و نا مزد تشکیلات (هیلاری کلینتون) در انتخابات شکست خورد. در سال 2019، جو بایدن و دموکرات های لیبرال به عنوان مردم و حزبی که ایالات متحده را احیا می کنند، تبلیغ شدند. در حالی که به نظر می رسد آنها از نتایج خود راضی هستند، احساسات در سال 2024 بدتر از سال

2016 است. تشکیلات سیاسی آمریکا آشکارا قادر به دستیابی به هیچ چیز دیگری جز راه اندازی جنگ هایی نیست که میلیون ها انسان بی گناه را می کشد - به این معنی که بدون آن جهان جای بهتری خواهد بود. منبع: [gallup.com](http://gallup.com)

بیشتر آنچه در اینجا نوشته شده است با توضیحات میرشایمر / والت در مورد لابی اسرائیل مطابقت دارد. تفاوت از طریق احترام به اقتصاد سیاسی به جای تئوری های لیبرال دولت است. با بیش از 800 میلیارد دلار در سال هزینه های پنتاگون به اضافه بودجه موقت جنگ ایالات متحده علیه روسیه در اوکراین، MIC قبل از لابی شدن کنگره توسط آپیک یا اوکراین وجود داشت. و «در گردان» بین کنگره و MIC بیشتر کنگره را تشویق می کند که نسبت به نیاز خود بیش از حد بودجه MIC را تامین کند.

این تفاوت بین تیز میرشایمر / والت و استدلال مطرح شده در اینجا ممکن است کوچک به نظر برسد، اما بسیار مهم است. با توجه به اینکه بیشتر کمک های ایالات متحده به اسرائیل واقعاً به MIC آمریکا می رسد، نمی توان ادعا کرد که این کمک به اسرائیل بدون حسابداری قوی تر از اقتصاد سیاسی گسترده تر که در این رابطه وجود دارد، کمک می کند. به عبارت دیگر، ادعای منفعت برای اسرائیل از طریق تحولات آتی خصومت های منطقه ای حاصل می شود، نه ارزش دلاری اسمی تسلیحات «اعطاء» به اسرائیل. و تحول خصومت های منطقه ای تابعی از روابط بین الملل است.

من قبلاً (شروع در حدود 2:45) به وزیر دفاع ایالات متحده؛ **لوید آستین** که گفته بود بدون حمایت ایالات متحده، خصومت ها در اسرائیل و اوکراین فوراً پایان می یابد، پیوند داده ام. بنیامین نتانیاهو، نخست وزیر اسرائیل، این موضوع را تأیید کرد و شکایت کرد که تحویل آهسته یک سلاح توسط دولت بایدن به اسرائیل آسیب های غیر قابل حساب وارد کرده است. اما به همین خوبی می توان استدلال مخالفی نیز ارائه داد. اسرائیل از این پس به دلیل نابودی مردم فلسطین به عنوان یک کشور منقرض شناخته خواهد شد. پس از گذشت هفتاد سال از پایان جنگ جهانی دوم، آلمانی ها هنوز برای **آدولف هیتلر** عذر خواهی می کنند.

دقیقاً چقدر باید یک جمعیت تبلیغ شود که باور کند اسرائیل و اوکراین سیاست خارجی ایالات متحده را اداره می کنند، صرف نظر از اینکه لابی آنها چقدر مؤثر است، نشان دهنده یک ناامنی عمیق ملی است. با افشای نیویورک تایمز که تاکنون رسماً جزئیات اقدامات ایالات متحده در قبال اوکراین را تکذیب کرده است - از ساخت چندین تأسیسات سیا در آنجا گرفته تا سازماندهی و آموزش ارتش اوکراین برای حمله به روسیه توسط سیا، تا توافق صلح 2022 جلوگیری از نابودی اوکراین که توسط دولت بایدن و بریتانیا متوقف شد، MIC آمریکا سیاست خارجی ایالات متحده را اداره می کند.

با غلبه کمک های خارجی ایالات متحده به اسرائیل که مجدداً به حساب های بانکی MIC آمریکا واریز می شود، MIC بیش از اسرائیل از آن سود می برد. این واقعیت اساسی

این ادعا را که لابی اسرائیل برای نفع اسرائیل وجود دارد، پیچیده می کند. حتی بدون کمک های خارجی ایالات متحده که مستقیماً به MIC باز می گردد، اسرائیل همچنان احتمالاً بیشتر از آنچه لابی اسرائیل برای دریافت آن هزینه می کند، کمک خواهد گرفت. با این حال، MIC این کار را نکرد. و همانطور که بنیا مین نتانیا هو بیان کرد (لینک بالا)، هرگونه توقف جریان تسلیحات ایالات متحده به اسرائیل به نسل کشی آن علیه فلسطینیان در غزه پایان می دهد.

در شرایطی که شهرک نشینان صهیونیست در کرانه باختری اکنون بار دیگر فلسطینیان را با تصرف سرزمین آنها و تبعید آنها «پاکسازی» می کنند، طرح اسرائیل در حال فاش شدن، نابودی کامل مردم فلسطین است.

در اینجا کنفرانس Wannsee اهمیت دارد. این نشست نازی های ارشد در سال 1942 برای برنامه ریزی نابودی سیستماتیک («راحل نهایی») یهودیان اروپایی در جریان جنگ جهانی دوم بود، که نشان می دهد نفت انگیزترین اعمال در تاریخ بشر به شکل بازیگران قدرتمند سیاسی بوده است که با آرامش برای نابودی برنامه ریزی می کنند. از کل مردم با اسرائیل که اکنون مردم فلسطین را نابود می کند، تاریخ دایره کاملی پیدا کرده است. تحت آزار و اذیت اکنون جفاگر هستند. اینکه ایالات متحده بودجه و تسلیح این تلاش ها را تامین می کند، آن را به نهایت می رساند بازیگر دولتی در این روند نسل کشی است.

## سطری در مورد نویسنده این مقاله

رب اوری هنرمند و اقتصاددان سیاسی است. کتاب اقتصاد زن او توسط انتشارات CounterPunch Books منتشر شده است.



با تقدیم سلامها « 2024-06-28 »

-----



**نویسنده:** دراگ بوسنیک «Drago Bosnic»  
**منبع و تاریخ نشر:** گلوبال ریسرچ «2024-06-27»  
**برگردان:** پوهندوی دوکتور سیدحسام «مل».

**مجتمع صنعتی نظامی (MIC) در بحران: ایالات متحده  
تا کجا میتواند پول و سلاح "جنگ انتحاری با روسیه"  
رژیم کیف را حفظ می کند؟**

*The Military Industrial Complex (MIC) in Crisis:  
How Far Can U.S. Money and Weapons Sustain the Kiev  
Regime's "Suicidal War with Russia"? Drago Bosnic*



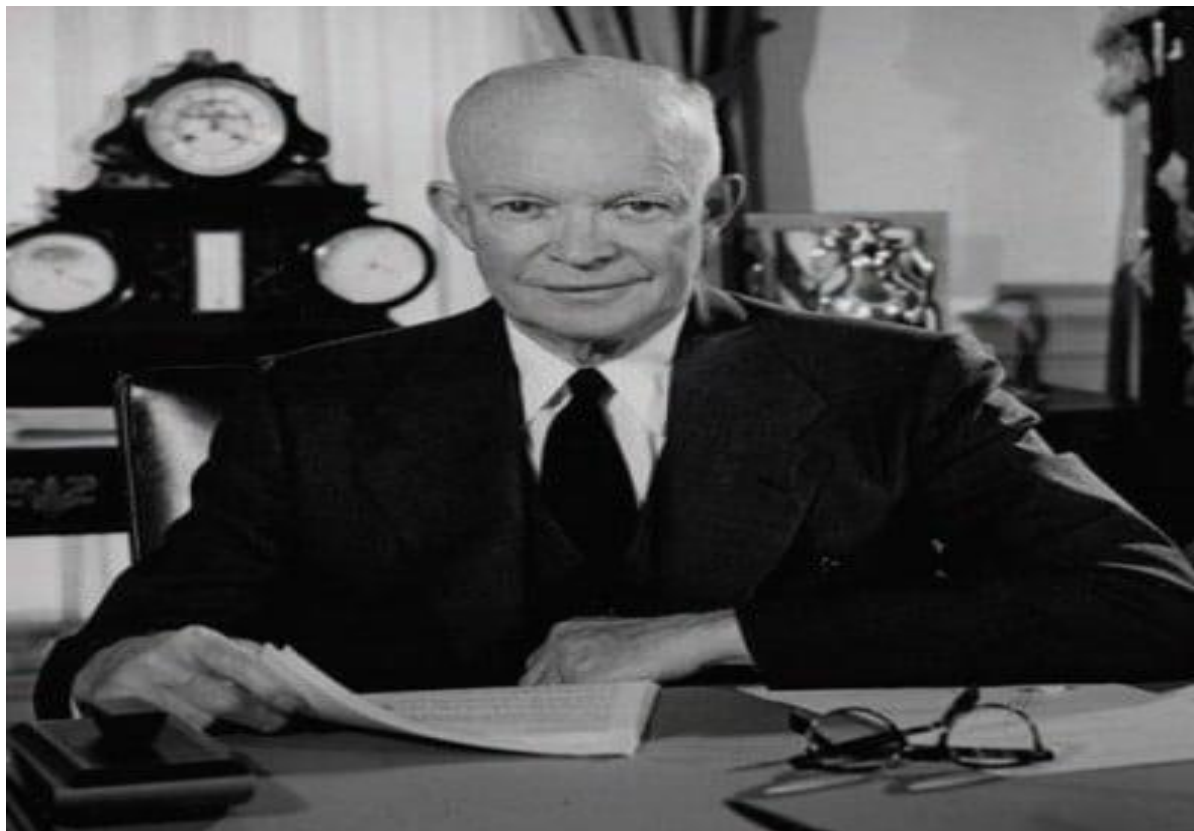
\*\*\*\*\*

قدرت اقتصادی ایالات متحده یکی از دلایل اصلی پیروزی متفقین در جنگ جهانی دوم بود .

در حالی که بیشتر جهان به لطف تهاجم ترکیبی قدرت های محور ویران شده بود، آمریکا عملاً آسیبی ندید .

موقعیت منزوی استراتژیک آن امکان تغییر به یک اقتصاد جنگی بی سابقه را بدون ترس از مختل شدن آن توسط چیزی فراهم کرد. متأسفانه، یکی از ابزارهای پیروزی

بر منفورترین ایدئولوژی جهان به زودی به راهی برای پیش بردن رشد آن ایدئولوژی در سراسر جهان تبدیل شد .



ظهور یا تولد MIC (مجتمع صنعتی نظامی) ایالات متحده، به ویژه هنگامی که با "عملیات گیره کاغذ" ترکیب شد، ظرفیت تولید آمریکا و نوآوری های فناوری آلمان را متحد کرد و هیولایی را ایجاد کرد که از آن زمان بسیاری از جمله ژنرال آمریکایی درباره آن هشدار می دادند (و رئیس جمهور بعدی) **دوایت دی. آیزنهاور**.

«تا آخرین درگیری های جهانی ما، ایالات متحده هیچ صنعت تسلیحاتی نداشتیم.» سازندگان آمریکایی گاو آهن می توانستند بسازند اما با گذشت زمان و در صورت نیاز، شمشیر نیز می توانستند که بسازند. اما اکنون دیگر نمی توانیم خطر بداهه سازی اضطراری دفاع ملی را داشته باشیم. ما مجبور شده ایم یک صنعت تسلیحاتی دائمی با ابعاد وسیع ایجاد کنیم. علاوه بر این، سه و نیم میلیون مرد و زن به طور مستقیم در تشکیلات دفاعی اکنون مشغول هستند. ما سالانه بیش از درآمد خالص همه شرکت های ایالات متحده برای امنیت نظامی هزینه می کنیم. این ترکیب یک نهاد نظامی عظیم و یک صنعت بزرگ تسلیحاتی در تجربه آمریکا تازگی دارد. تأثیر کلی - اقتصاد دی، سیاسی، حتی معنوی - در هر شهر، هر خانه ایالتی، هر دفتر دولت فدرال احساس می شود. ما نیاز ضروری برای این توسعه را درک می کنیم.

با این حال، ما نباید از درک پیامدهای جدی آن غافل شویم. زحمت، منابع و معیشت ما همگی دخیل هستند. ساختار جامعه ما نیز چنین است. در شوراهای حکومتی، ما باید در برابر کسب نفوذ ناروا، چه خواسته یا ناخواسته، توسط مجتمع صنعتی نظامی [MIC] محافظت کنیم. او در سخنرانی خداحافظی خود در سال 1961 هشدار داد که پتانسیل افزایش فاجعه بار قدرت نابجا وجود دارد و ادامه خواهد داشت. با این حال، همه چیز بر سر زبان‌ها افتاد، زیرا بسیاری از جنگ‌افروزان و جنایتکاران جنگی تقریباً در هر نهاد فدرال عمیقاً ریشه دوانده بودند.

وزرای دفاع اوکراین و روسیه توافق کردند: جنگ در اوکراین بین نا تو و روسیه است. نظامی‌گری آمریکایی به یک هنجار تبدیل شد و این تا به امروز تغییر نکرده است. ده‌ها درگیری بزرگ به بهانه‌های دروغین بی‌پایان، با میلیون‌ها کشته و ده‌ها میلیون آواره تنها در 20 سال گذشته آغاز شد.

شاید تنها بخش از اقتصاد تولیدی آمریکا که به طور کامل برون‌سپاری نشده است، دقیقاً MIC باشد. بسیاری از بخش‌های کمتر مهم آن بوده است، اما عناصر اصلی در ایالات متحده باقی مانده‌اند.

با این حال، ساختار مالی کشور از زمان **آیزنهاور** تغییرات تکنیکی را تجربه کرد. به عبارت دیگر، پس از پایان دادن به استاندارد طلا توسط رئیس‌جمهور **نیکسون**، قدرت MIC آزاد شد.

و نظامی‌گری آمریکایی به سایر اعضای **نا تو** سرایت کرد و مجموعه‌ای از کشورها را با یک منفعت به تنهایی تقویت کرد - جنگ همیشگی. نخبگان در واشنگتن دریافته‌اند که اگر دست نشانندگان و کشورهای اقماری آن بسیار بیشتر درگیر شوند، به راه انداختن و تداوم جنگ‌ها بسیار آسان‌تر است. در تضاد کامل با تجاوزاتش به ویتنام، زمانی که ایالات متحده عمدتاً تنها بود، تمام تهاجماتش از آن لحظه حداقل شامل نیم دوجین دیگر از کشورهای اصلی غرب سیاسی بوده است. این استراتژی "کفتار pack" بسیار خوب عمل کرد، به ویژه در برابر مخالفان تا حد زیادی در مانده، بنا بر این واشنگتن دی سی تصمیم گرفت در نهایت آن را در برابر یک دشمن نزدیک به هم‌تایان خود امتحان کند. با آغاز درگیری اوکراین در سال 2014، **نا تو** مسیر برخورد با روسیه را تضمین کرد، به این امید که در نهایت از قدرت ترکیبی MIC خود و سلطه مالی جهانی برای به زانو درآوردن غول اوراسیا استفاده کند. به عنوان یک امتیاز، جنگ‌افروزان، جنایتکاران جنگی و ثروتمندان در قدرت در حال برنامه‌ریزی برای کسب درآمد بیشتر از هر زمان دیگری بودند.

به عبارت دیگر، در حالی که واشنگتن دی سی در طول تهاجم نافرجام 20 ساله خود به افغانستان حداقل 2.3 تریلیون دلار هزینه کرد، طبق گفته خود حکومت نئونازی، به اصطلاح "کمک اوکراین" تا اواسط سال 2023 به 170 میلیارد دلار رسیده است. با این حال، دامنه تخریقات مالی از آن زمان حداقل دو برابر شده است، به طوری که ایالات



متحده، **ناتو** و اتحادیه اروپا حدود 200 میلیارد دلار دیگر را در «بسته های کمکی» مختلف ارسال کردند، از جمله از طریق دزدی بدون تقلب از ذخایر فارکس روسیه.

به عبارت دیگر، در حالی که 170 میلیارد دلار فوق الذکر در حدود دو سال ارائه شد، حتی بیشتر از آن ارسال شد (یا قرار است ارسال شود) در مدت کمی بیش از یک سال از آن زمان. به این ترتیب مجموع این عملیات نزدیک به 400 میلیارد دلار طی دو سال و نیم عملیات ویژه نظامی (SMO) می رسد. تعداد واقعی می تواند بسیار بیشتر باشد، اما نخبگان جنگ طلب اطمینان حاصل کردند که هرگونه شواهد قطعی برای این امر پنهان بماند.

بدیهی است که بسیاری از این پول به جیب آنها ختم می شود، اما با این حال، پس از بیش از نیم قرن تجاوز علیه جهان، می توان انتظار داشت که ایالات متحده به نوعی متخصص در پیروزی باشد. با این حال، تنها «تخصصی» که ارتش این کشور به دست آورده است این است که چگونه درگیری را حفظ کند و سپس شکستی تحقیرآمیز را از دست یک حریف ظاهراً بسیار «فرق تر» متحمل شود، با نابرابری تکنولوژیکی که اغلب در چند دهه (اگر نه در برخی موارد قرن ها) اندازه گیری می شود. مانند طالبان). با این حال، در حالی که آمریکا معمولاً در جنگ ها شکست می خورد، رد پای مرگ، ویرانی و بی ثباتی که در پی آن باقی می ماند، تقریباً همیشه به همان بدی تهاجم مستقیم ختم می شود. مردم خاورمیانه به ویژه تحت تأثیر این موضوع قرار گرفته اند، زیرا موج رادیکا لیسم اسلامی مورد حمایت ناتو همچنان بر آنها تأثیر می گذارد و گاه به گاه اثر سرریز آن به سایر نقاط اروپا، آسیا و آفریقا صادر می شود.

چنین عوارض جانبی بدخیم تجاوز ایالات متحده/ **ناتو** اکنون مرتباً برای سازماندهی حملات تروریستی در روسیه استفاده می شود، تاکتیک "غیر متعارف" دیگری که غرب سیاسی در آخرین تهاجم خود به غول اوراسیا از آن استفاده می کند. با این حال، تهاجمی ترین کارتل جنگ افزاری جهان کاملاً متوجه است که این برای شکست دادن یک دشمن تقریباً همتا کافی نیست. پس از میلیون ها کشته و تریلیون ها دلار هدر رفت در جنگ های تجا وزکارانه در عراق و سوریه (حد اقل 3 تریلیون دلار، طبق برآوردهای مختلف)، واشنگتن دی سی چیزی برای نشان دادن ندارد. با این حال، این در مقایسه با ناکارآمدی محض نیروهای رژیم کی یف در اوکراین که توسط ناتو آموزش دیده و مجهز شده اند، کم رنگ است. بر اساس برآوردهای مختلف، نسبت تلفات نیروهای این کشور در برابر ارتش روسیه بیش از 10 به 1 است، که با توجه به دامنه به اصطلاح "کمک نظامی" که حکومت نئونازی دریافت می کند، یک نتیجه کاملاً فجیع است.

به همین دلیل تصمیم گرفت تا نیم میلیون سرباز را مستقر کند و آنها را برای رویارویی مستقیم با مسکو آماده کند و در عین حال سعی کرد از خرابکاری و تروریسم برای منحرف کردن توجه خود از اوکراین استفاده کند. یعنی، رژیم کی یف تاکنون سه برابر بیشتر از پولی که مسکو (به طور اسمی) برای کل ارتش خود در سال 2021 خرج کرده است، به

دست آورده است. با این حال، اوضاع برای حکومت نئونازی بسیار بدتر می شود، زیرا کرملین تغییرات عمده ای در وزارت دفاع خود ایجاد کرده است. بدتر از آن، روسیه در حال حاضر هزینه های نظامی خود را به رقم اسمی نزدیک به 200 میلیارد دلار افزایش می دهد، اگرچه بودجه واقعی (بر حسب GDP PPP) اکنون معادل بیش از نیم تریلیون دلار است. ناتو کاملاً متوجه است که شانس کم رژیم کی یف برای برنده شدن اکنون در قلمرو غیرممکن است.

با این حال، هیچ یک از اینها مانند جنگ های ویتنام، عراق و افغانستان، MIC آمریکا را تقویت نکرده است. برعکس، کمبودهای متعدد خود را آشکار کرد، به ویژه در تولید مهمات توپخانه، منطقه ای که روسیه همچنان موقعیت مسلط خود را در آن تقویت می کند و در آینده قابل پیش بینی نیز به این کار ادامه خواهد داد. علاوه بر این، آمریکا اکنون در حال هدر دادن ذخایر چندین دهه (و همچنین متحدان، دست نشانده گان و کشورهای اقماری خود) است تا حکومت نئونازی را یک روز دیگر در نبرد نگه دارد. حتی برای تسلیحات و تجهیزات مازاد دوران شوروی در سرتاسر جهان، دلار بالایی می دهد، زیرا ثابت شده است که این سلاح ها در مقایسه با تجهیزات **نا تو** بسیار قوی تر و مقرون به صرفه تر هستند. این حتی بدون در نظر گرفتن تعدادی از مزیت های نامتقارن روسیه است، مزیت هایی که **نا تو** تنها می تواند با حملات تروریستی به ساحل نشینان مقابله کند.

## سطری چند در مورد نویسنده این مقاله :

دراگو بوسنیک یک تحلیلگر مستقل ژئوپلیتیک و نظامی است. اچ



دراگو بوسنیک

با تقدیم سلامها «2024-06-28»

-----